



گفت و گو با

کنوت برنستروم

■ محمد شمس

گفت و گویی داشتیم با آقای کنوت برنستروم^۱، اهل سوئد که پس از پذیرش اسلام، نام خود را به محمد کنوت^۲ تغییر داده است. وی به شکرانه نعمت اسلام و احساس وظیفه، تصمیم به ترجمه قرآن مجید به زبان سوئدی گرفته است که این کار ده سال به طول انجامیده و ماه گذشته که با ایشان ملاقات داشتم برای انتشار آن در انتظار پاسخ نهایی الازهر بود. انتظار می رود تا پایان سال جاری مسیحی ترجمه ایشان منتشر شود. این ترجمه از هم اکنون مورد استقبال اهل علم و محافل دانشگاهی قرار گرفته است.

بیانات: لطفاً پس از معرفی خودتان بفرمایید چگونه و چرا اسلام آوردید.

محمد کنوت: نام اصلی من کنوت برنستروم بود، که بعداً آن را به محمد کنوت تغییر دادم. من در یک خانواده مسیحی متولد و بزرگ شده‌ام. از همان دوران جوانی، کلیسای کاتولیک را برتر از کلیسای پروتستان می‌دیدم و به عنوان یک کاتولیک مؤمن در همه مراسم عبادی شرکت می‌کردم. تا این که ۳۵ سال قبل جنبشی در مذهب کاتولیک آغاز شد. هدف این جنبش مدرنیزه کردن مراسم

عبادی در کلیسا بود و از آن پس مسایلی را در کلیسا دیدم که باعث فاصله گرفتیم از دین و مذهب شد.

این را نیز عرض کنم که از سال ۱۹۴۴ در وزارت امور خارجه سوئد کار می‌کردم و سفرهای زیادی به کشورهای مختلف داشتم. مدتی هم از جانب دولت سوئد در سازمان ملل خدمت می‌کردم و مسایل فلسطین و آمریکای جنوبی را دنبال می‌کردم. در سال ۱۹۷۲ رییس هیأت اعزامی سوئد در کنفرانس شیلی که مسایل مربوط به تجارت را بررسی می‌کرد، بودم.

یکی از کشورهایی که در سفرهای خارجی نظرم را جلب کرد «مراکش» بود، لذا در اواخر ۱۹۶۰ خانه‌ای در آنجا خریدم و پس از بازگشت از شیلی، در ۱۹۷۲ پیشنهاد شد که به عنوان سفیر به اسپانیا بروم، اما خودم مایل بودم که به جای اسپانیا به مراکش بروم که با این کار موافقت شد و تا زمانی که باز نشسته شدم، به عنوان سفیر سوئد در مراکش خدمت می‌کردم. در حقیقت از همان ابتدای اقامتم در مراکش، طریق عبادت مسلمانان کنجکاو می‌برانگیخت لذا با تماس نزدیک با مسلمانان دربارهٔ چگونگی و فلسفهٔ نماز و روزه سوالاتی کردم و به مرور به مطالعهٔ کتب اسلامی و سپس قرآن پرداختم، تا این که بالاخره با تحقیقات، به خیل عظیم مسلمانان پیوستم و اسلام آوردم و در اصل، زندگی جدید خود را به عنوان مسلمان از ۲۲ سال قبل آغاز کردم.

شاید بد نباشد که بگویم از همان ابتدای خواندن قرآن بسیاری از موضوعات و آیات این کتاب عظیم مرا دچار حیرت کرد که یکی از این موضوعات مسألهٔ «شر» است که در سورهٔ فلق آمده، آنجا که می‌فرماید: «من شرِّ ما خلق» (فلق، ۲/۱۱۳) مرا به فکر فرو برد، زیرا تا آن وقت نمی‌دانستم که از جملهٔ مخلوقات خدا «شر» است، لذا به ضرورت وجود شرارت پی بردم، زیرا اگر «شر» نباشد چگونه می‌توان به «خیر» پی برد. نور، هنگامی که در مقابلش تاریکی نیست کجا خواهد بود؟ و یا آنجا که قرآن می‌فرماید: «سبحان الذی خلق الأزواج» (یس، ۳۶/۳۶) برداشت من از وجود «زوج» دو چیز متضاد است، یعنی خوبی و بدی، روشنایی و تاریکی، زشتی و زیبایی، تلخی و شیرینی و ...

بیّنات: چه انگیزه‌ای باعث شد که شما قرآن را به زبان سوئدی ترجمه کنید؟

محمد کِنوت: از آنجایی که هر مسلمانی وظیفه‌ای را به دوش می‌کشد و یک مسلمان باید «داعی» باشد و همواره «دعوت» کند، از همان ابتدا احساس کردم که باید کاری بکنم و چه بهتر که از طریق ترجمهٔ قرآن این کار صورت گیرد، زیرا میلیونها سوئدی زبان می‌توانند کلام راستین خدا را به زبان خودشان بخوانند، باشد که به اسلام هدایت شوند.

من قریب چهل سال اسناد و متون مختلف را از زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی، اسپانیولی و پرتغالی به سوئدی و یا بالعکس ترجمه کرده بودم، لذا وقت آن رسیده بود که کلام مقدس خدا را نیز به زبان سوئدی ترجمه کنم. علاوه بر این که این کار یک نوع سپاسگزاری به خاطر نعمت اسلام نیز بود.

بیّنات: لطفاً روش خودتان را در ترجمه قرآن بیان کنید.

محمد کِنُوت: یک بار همه قرآن را خواندم، دگر بار همراه با قرائت قرآن ترجمه های غیر سوئدی را نیز دیدم، آن گاه که آماده ترجمه شدم هرسوره را با دقت خواندم و مطالب کلی هر یک را یادداشت کردم، سپس هرآیه را خواندم و آنچه را که از آنها می فهمیدم یادداشت برداشتم، آن گاه به تفسیر مراجعه کرده و آنچه را که در ذهنم شکل می گرفت پس از تأملات زیاد روی کاغذ می آوردم. البته بارها ترجمه را بازبینی کرده ام.

از جمله تفاسیری که مورد استفاده قرار گرفت باید از تفاسیر رازی، طبری، قرطبی، زمخشری و محمد علی الصابونی اهل سوره نام برد. همچنین از ترجمه های عبدالله یوسف علی بلاشر و محمد اسد، بهره فراوان بردم.

متأسفانه از تفاسیر جدیدی که در ایران نوشته شده، به علت عدم دسترسی استفاده نکرده ام و این بدان معنا نیست که در ایران عصر ما مفسران بزرگی وجود نداشته و یا ندارند، ما می دانیم که برجسته ترین دانشمندان اسلامی، ایرانی بوده اند. آنگاه که «ملل متحد اسلامی» یا «امت اسلامی» بر بخش هایی از جهان حاکم بودند، این ایرانیها بودند که نقش اصلی در شکل گیری و پیوند این «امت» داشتند. امروز نیز ما سازمانی به نام «ملل متحد» داریم، اما نتوانسته است پیوندی میان ملل مختلف ایجاد کند و فرق بزرگ سازمان «ملل متحد» عصر ما با «ملل متحد اسلامی» یا «امت» این است که «امت» به خدا اعتقاد و توکل داشته، در حالی که «ملل متحد» تنها «امید» به صلح دارد.

پیشگام

بیّنات: آیا در ترجمه شما به اسباب النزول، تاویل، ناسخ و منسوخ و حروف مقطعه توجه شده است؟

محمد کِنُوت: بله، البته، تا آنجا که تحقیق کردم درباره مسایل مذکور، مفسران نظرات گوناگونی دارند. همین امر باعث گردید که من هم آنچه را که به نظرم صحیح تر و منطقی تر بود در ترجمه ام منظور دارم. مثلاً به اعتقاد من آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ از سوره بقره مربوط است به تورات و انجیل هر چند که برخی معتقداند که این آیات مربوط است به «آیات» خود «قرآن». بنابراین منظور این است که با نزول قرآن، تورات و انجیل نسخ شده نه برخی از آیات قرآن. البته همان طور که گفتم این برداشت من است و برخی نیز مانند محمد اسد^۳، در ترجمه خود همین قول را آورده اند. همچنین نزول آیات درباره شراب، در سه مرحله، باعث شده که برخی، که اسماً مسلمان اند با عدم درک حقیقت آیات، ادعا کنند که این آیات خوردن شراب را تحریم نکرده، زیرا که آمده است: «... در حال مستی به نماز نزدیک نشوید» (نساء، ۴/۴۳) و از این آیات چنین می فهمند که خوردن شراب حرام نیست بلکه در حال مستی نباید نماز خواند و پس از رفع مستی باید نماز برپا داشت. به هر حال من معتقدم این گونه فکر کردن، یک نوع «نفاق» است زیرا قرآن خوردن شراب را «گناه» می داند و نماز در حال مستی «گناهی» دیگر است.

درباره حروف مقطعه باید بگویم که محمد اسد، مقاله ای در ترجمه خود دارد و من آن را در

ترجمه آورده ام.

بَيِّنَات: با توجه به این که زبان سوئدی در مقایسه با عربی، زبانی فقیر است شما در ترجمه خود با چه مشکلاتی برخورد کردید؟

محمد کِنُوت: البته از نظر زبانی، سعی من بر این بوده که از زبان سوئدی آسان و نو - در عین حال متین - استفاده کنم. بنابراین در عین سادگی، وقار قرآنی در آن حفظ شده و تصور نمی‌کنم کسی آن را بخواند و نفهمد و کار من مانند ترجمه سترستن^۴ نیست که سنگین و نامفهوم باشد. گاهی اتفاق می‌افتاد که به آیه ای می‌رسیدم و هرچه فکر می‌کردم نمی‌توانستم آن را آن طور که باید ترجمه کنم و پس از ساعتها کار، برای استراحت می‌رفتم و دعا می‌کردم که خدایا من از عهده این بر نمی‌آیم و از قدرت من خارج است، کمکم کن! تا اینکه روز بعد پاسخ آن را می‌یافتم. گاهی هم در ترجمه برخی واژه‌های قرآنی به خاطر نبود معادل آن واژه‌ها در زبان سوئدی حتی چند سال فکر کردم، نمونه آن، کلمه «جلال» است که پس از چند سال معادل آن را واژه «هرلیگ هت»^۵ انتخاب کردم.

لازم به یادآوری است که من دچار چند حادثه عجیب شدم: یکی آن که اتوبوس از روی پایم عبور کرد و در حقیقت آن را خرد کرد اما الان پایم سالم است. دیگر این که در مغزم یک نوع خونمردگی کشنده دیده شد و دستم قادر به حرکت نبود ولی آن هم از بین رفت. سوم این که دچار چند مورد سرطان شدم و بعد از عمل، اکنون از آنها هیچ اثری نیست و من همه اینها را از برکات قرآن می‌دانم و لذا همواره این احساس را داشته‌ام که «اللَّهُ» مرا نگه داشته تا کاری را که شروع کرده‌ام به پایان برسانم و اکنون که هشتاد سال از عمرم می‌گذرد احساس می‌کنم که وظیفه خود را انجام داده‌ام.

امید است که مورد رضای «اللَّهُ» قرار گیرد. کتابی نیز درباره «حدیث» در دست تهیه دارم که امیدوارم به طبع آن نیز موفق شوم.

پیچایش

1. KNUT BERNSTROM.

2. MUHAMMAD KNUT.

3. محمد اسد، اهل اتریش و نام اصلی اش «لیویولدناپس» بود که پس از این که اسلام آورد، نام خود را به محمد اسد تغییر داد. او از شرق شناسانی بود که به دنبال تحقیقات خود به حقیقت اسلام پی برد و کتب مختلفی نوشت.

4. کارل ویلهلم سترستن K.V. ZETTERSTEEN خاور شناس سوئدی است که ترجمه خود از قرآن را در ۱۹۱۷ به چاپ رساند. اخیراً پروژه‌ای به ابتکار بو هولمبیری BO HOLMBERG پروفیسور زبان های سامی در انستیتوی زبان های خاورمیانه دانشگاه لوند سوئد به اجرا درآمده که با توجه به ترجمه های سوئدی از قرآن، طرح ترجمه گروهی از قرآن را مورد بررسی قرار می دهد و این جانب نیز در این پروژه شرکت و همکاری دارم. (شمس)

5. HARLIGHET.